



# الیاف غریبه در پنبه

مهندس هوشنگ میرلو - مدیرعامل شرکت ایپک تجارت

## الف- تشریح موضوع

۱- متأسفانه در اکثر نقاط پنبه خیز کشور از گنبد و گرگان و بجنورد گرفته تا شهرهای مختلف استان خراسان و فارس و ... جمع‌آوری پنبه بصورت سنتی صورت می‌پذیرد که در این حالت کشاورزان و کارگران زحمتکش نسبت به جمع‌آوری و ش‌های چیده شده در داخل کیسه‌های نایلونی یا کیسه‌های پلی پروپیلن اقدام می‌نمایند.

۲- کیسه‌های نایلونی و گونی‌های پلی پروپیلن پر شده با وش، توسط وانت‌بارها و کامیونت‌ها به کارخانجات پنبه کنی انتقال داده می‌شود.

۳- در هنگام تخلیه، کیسه‌های پلی پروپیلن در اثر برخورد و اصطحکاک چندین باره برگ‌های خشک و خشن وش، رشته رشته می‌شوند و همراه آنها در محموله‌ها قرار می‌گیرند و از طرفی کیسه‌های نایلونی نیز بدلیل نازکی و ضعیف بودن پاره و با بندهای نایلونی که جهت بستن درب کیسه‌ها استفاده می‌گردد متلاشی شده و در داخل محموله‌های وش قرار می‌گیرند.

۴- در طی مراحل حلاجی، رشته‌های نایلونی و پلی پروپیلن همراه با وش به داخل دستگاه راه پیدا

کمی روند نزولی به خود گرفته و در حال حاضر به سختی می‌توان گفت به ۵۰ هزار تن در سال می‌رسد که این موضوع بسیار تأسف بار می‌باشد زیرا پنبه مواد اولیه صنعتی است که با چندین مرحله از کاشت، داشت، برداشت، تهیه محلول، ریسندگی، بافندگی، تکمیل، دوخت و تحویل به مصرف کننده نهایی، عملیات متعددی را با اشتغالزایی بالا تجربه میکند و ضمناً مواد اولیه صنایع دیگری همچون روغن کشی و تصفیه روغن را نیز تامین می‌نماید و کنجاله حاصله از این محل نیز به‌عنوان خوراک دام به مصرف میرسد.

این افت تولید شدید از یک طرف موجب نابودی بسیاری از کارخانجات این چرخه و از دست رفتن صادرات این محصول و از طرف دیگر نیاز به واردات حدود ۷۰ هزار تن پنبه در سال از کشورهای دیگر به منظور تامین نیاز ۱۲۰ هزار تنی صنعت نساجی گردیده است.

حال به واکاوی دلایل مهم وجود «الیاف غریبه» در پنبه ایران طی سه مرحله: تشریح موضوع، دلایل ایجاد و راهکارهای پیشنهادی به شرح ذیل می‌پردازیم.

الیاف پنبه در صنعت نساجی یکی از ارکان اصلی مواد اولیه در تولید را تشکیل می‌دهد. متأسفانه در دهه‌های اخیر این محصول در کشورمان ضمن افول در بخش کمی، در بخش کیفی نیز دچار معضلاتی است که یکی از مهم‌ترین آنها الیاف غریبه (الیاف پلاستیکی موجود در پنبه) است که به یکی از مشکلات اصلی صنعت نساجی در مصرف پنبه داخلی مبدل گشته و با وجود تلاش‌های فراوان مسئولین، دست‌اندرکاران بخش‌های بازرگانی و اقتصادی و کارخانجات تصفیه پنبه نه تنها نتیجه‌ای حاصل نشده بلکه با کاهش رو به فزونی تولید پنبه در طی دهه‌های اخیر بیش از پیش خودنمایی می‌نماید.

در این مقاله پس از شرح خلاصه‌ای بر وضعیت کمی پنبه به واکاوی این معضل خواهیم پرداخت.

در دهه‌های نه چندان دور پنبه از تولیدات کشاورزی استراتژیک کشورمان به شمار می‌رفت که با تولید حدوداً ۲۰۰ هزار تن در سال و با دارا بودن کیفیتی مطلوب، ضمن تامین نیاز تولیدکنندگان داخلی، مازاد آن نیز صادر می‌گردید.

تولید این محصول در دهه‌های اخیر و بخصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره از لحاظ

در صورت سفیدگری پارچه‌ها (مثلاً برای پارچه تترون) و یا رنگرزی آنها به طیف رنگ‌های روشن، لیف‌های رنگی بصورت بارزتری خود را در متن پارچه نشان داده و تبدیل به ایراد بزرگی در پارچه می‌شود و در این حالت پارچه افت درجه یافته و خریداران با قیمت بسیار نازل و بصورت محدود جهت مصارف خاصی اقدام به خرید آن می‌نمایند

تولیدکنندگان مرتبط در مسیر استفاده از این محصول جهت تشریح موضوع و آگاه سازی آنها نسبت به عمق آن و بیان اینکه یکی از دلایل عدم تمایل کارخانجات ریسندگی به مصرف پنبه‌های داخلی (علاوه بر مشکلات دیگر که موضوع این مقاله نیست) همین مورد بوده و آنها حاضرند پنبه‌های خارجی را با قیمت‌های بالاتر حتی در نخ‌های معمولی خود مصرف کرده ولی از ترس مشکلات بعدی، پنبه ایرانی مصرف نمایند.

۲- تهیه و ارائه سی‌دی‌های آموزشی در این خصوص که در آن انواع مختلف نحوه برداشت محصول در کشورهای مختلف و اهمیت آن توضیح و در کنار آن جمع آوری و نمایش محصول نهایی (پیراهن، ماتو و...) که با وجود لیاف غریبه تنزل درجه پیدا کرده باشد صورت پذیرد.

۳- پیشنهاد کشت یکپارچه به کشاورزان تا حداکثر میزان ممکن که این مورد با کاستن میزان قابل توجهی از هزینه تولید، امکان برداشت مکانیزه را در راه مبارزه با «الیاف غریبه» فراهم خواهد آورد.

۴- برخورد تنبیهی با واحدهای پنبه پانکی که در محلوج تولیدی آنها «الیاف غریبه» مشاهده گردد و رتبه بندی کارخانجات در خصوص موارد کیفی و اعلام آن به مصرف کنندگان که این مورد بسیار می‌تواند موثر واقع گردد.

در پایان به‌عنوان یک فعال بخش صنعت و به‌خصوص نساجی امیدوارم به روزهای خوب پنبه در ایران بازگردیم و بی‌نیاز از واردات، با دارا بودن کیفیت مناسب تامین واحدهای داخلی را برعهده گرفته و حتی نیم نگاهی به صادرات داشته باشیم.

استفاده شده و وش مستقیماً پس از جمع‌آوری به داخل کامیونت‌های محصور شده با فنس هدایت شده و نایلون و کیسه‌های پلی‌پروپیلن در گردونه وجود ندارد. حتی در برخی از کشورهای پیشرفته که تولید پنبه بالایی نیز دارند برداشت به‌صورت کاملاً اتوماتیک انجام و وش‌ها به رول‌های بزرگی تبدیل می‌گردند. در کشور ما به‌دلیل تکه تکه بودن زمین‌ها از لحاظ مالکیت و کشت محصولات کشاورزی متفاوت در هر بخش، استفاده از ماشین‌آلات مکانیزه اقتصادی نبوده و عملیات برداشت وش با هزینه بسیار بالا و توسط نیروی انسانی صورت می‌پذیرد البته به ندرت و در برخی مزارع بزرگ برداشت‌ها مکانیزه صورت می‌پذیرد که قابل توجه نیست.

۳- راحتی و در دسترس بودن کیسه‌های پلاستیکی و هزینه بسیار پایین و چندین بار قابل مصرف بودن آن که موجب ترغیب کارگران و کشاورزان به استفاده از آن می‌شود.

۴- در این خصوص برخی از کارخانجات تصفیه پنبه در مقاطعی تصمیم به عدم دریافت و خرید وش‌های جمع آوری شده با نایلون و کیسه‌های پلی‌پروپیلن گرفتند و حتی اعلام آمادگی نمودند نسبت به تأمین کیسه‌های کنفی یا پنبه‌ای مورد نیاز کشاورزان به منظور برداشت محصول اقدام نمایند که متأسفانه این روش نیز در فصول رقابتی جواب مثبتی دریافت نکرد زیرا وش‌های جمع آوری شده که گاهی در بدترین وضعیت به کارخانجات ارسال می‌شد در صورت عدم دریافت و تخلیه توسط یک کارخانه، توسط کارخانه رقیب تخلیه و عملاً تمام زحمات در خصوص اصلاح این معضل را بی‌نتیجه می‌گذاشت.

۵- در سالیان گذشته تلاش‌هایی بسیار بسیار محدود جهت آموزش به کشاورزان و توجیه آنها نسبت به حساسیت موضوع و اینکه عدم توجه به این معضل موجب کاهش درجه کیفی و نزول قیمت دسترنج آنها شده صورت پذیرفته که اصلاً کافی نیست.

### ج- راهکارهای پیشنهادی

۱- برگزاری کلاس‌های آموزشی مستمر جهت زمین‌داران و کشاورزان در هر منطقه و دعوت از

کرده و در مراحل تصفیه پنبه بر اثر برخورد با اره‌ها به صدها رشته باریک‌تر تبدیل و در عدل‌های پنبه پنهان می‌شوند.

۵- در واقع مشکل از این قسمت آغاز می‌گردد که در هنگام مصرف محلوج در کارخانجات ریسندگی، لیاف غریبه وارد دستگاه‌ها گشته که در این حالت ضمن بروز پارگی و اختلال در تولید با عبور از چشمه‌ها و پیچش به دور نخ به همراه پنبه به‌عنوان یک لیف در داخل دوک‌ها قرار می‌گیرد.

۶- لیاف پلاستیکی و پلی‌پروپیلن در صورتی که رنگی باشند؛ پس از مصرف شدن نخ‌ها و تبدیل آنها به پارچه در متن آن مشاهده می‌گردند که این ایراد بزرگی است و ایراد بزرگتر آن است که این لیاف سفید و یا رنگ‌های روشن باشند که امکان تشخیص آنها در پارچه‌های خام را نیز از بین می‌برد و پارچه وارد مرحله رنگرزی می‌گردد.

۷- در صورت سفیدگری پارچه‌ها (مثلاً برای پارچه تترون) و یا رنگرزی آنها به طیف رنگ‌های روشن، لیف‌های رنگی بصورت بارزتری خود را در متن پارچه نشان داده و تبدیل به ایراد بزرگی در پارچه می‌شود و در این حالت پارچه افت درجه یافته و خریداران با قیمت بسیار نازل و بصورت محدود جهت مصارف خاصی اقدام به خرید آن می‌نمایند.

۸- در صورت عدم مشاهده این لیاف در هنگام کنترل پارچه رنگی و عبور از چشمان کنترل‌کننده خسارت بسیار سنگین‌تر می‌شود زیرا پارچه‌ها برش خورده و تبدیل به لباس که عمدتاً پیراهن یا ماتو می‌باشد گشته و در آن صورت نخ رنگی در لباس تولیدی که با هزینه زیادی به آن مرحله رسیده، رویت و محصول را باید با قیمت بسیار نازل به فروش رساند.

### ب- دلایل ایجاد

۱- عدم ایجاد آگاهی لازم در کشاورزان و کارگران نسبت به عمق این موضوع.

۲- در کشورهای بزرگ تولیدکننده این محصول، مزارع دارای یکپارچگی بوده و این مسئله هزینه حضور ماشین‌آلات جهت برداشت مکانیزه را اقتصادی می‌نماید بطور مثال در کشور ازبکستان از همین روش